



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلسین - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی

سال هفتم

شنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۰۷

شماره ۲۰۰۷

شماره مسلسل ۲۱۶

دوره شانزدهم مجلس شورای ملی

مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه دهم دیماه ۱۳۳۰

فهرست مطالب:

- ۱- تصویب صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور آقایان: غلامرضا فولادوند، جمال امامی-اسلامی
- ۳- تعیین روز استیضاح
- ۴- اخذ رأی و تصویب اجازه پرداخت یک دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت آذرماه ۱۳۳۰
- ۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

(۱- تصویب صورت مجلس)

رئیس - صورت غائبین جلسه پیش

فراغت میشود

(شرح زیر خوانده شد)

صورت غیبت و دیرآمدگی آقایان

نمایندگان در جلسه سه شنبه سوم دیماه

غائبین با اجازه - آقایان: اورنگ

طباطبائی، عباسی، بهادری، امامی اهری

فرامرزی، گنجی، نورالدین امامی، دکت

مجتهدی، حسن مکرّم، دکتر جلالی، اسلامی

ظفری، صدوزاده، موسوی، اردلان

اسکندری

۱ غائبین بی اجازه - آقایان: محمودی

حسن اکبر، دکتر مصباح زاده، حمیدیه

نقّه الاسلامی، سر تپیز زاده، مجتهدی، ناصر

صدر، صاحب جمیع، فقیه زاده، همدان تریقی

ی محسن طاهری، قرشی، صفائی، امیر

امامی، موسوی، امامی اهری، حسن مکرّم، بهادری، عباسی، گنجی، اردلان، دکتتر طباطبائی، ظفری، فرامرزی، اسکندری، اسلامی، دکتتر مجتهدی، دکتتر جلالی، سالار بهزادی، طباطبائی، صدوزاده

غائبین بی اجازه - آقایان: محمودی، دکتتر مصباح زاده، نصرتهان، قهرمان، صاحب جمیع، دکتتر معظمی، عبدالعزیز مجتهدی

فقیه زاده، سر تپیز زاده، ناظر زاده، حسن اکبر، ابتهاج، صفائی، دکتتر هدایتی، شهاب خسروانی، فتحعلی افشار، کودرزی، دکتتر سید امامی، حمیدیه، قرشی، صدر میر حسینی، کرکائی، نقّه الاسلامی، همدان، تربتی، طاهری، کشاورز صدر، آذقی، کورآغلی، مغیر فرهمند، افشار صادقی، محمد ذوالفقاری، امیر افشاری، ناصر ذوالفقاری، کهدی، صدیری، حکیمی، رستم گیو، صالح، دکتتر بقائی، مکی، دکتتر شایگان، جوادمحمودی، خزینه علم، دکتتر برال

دیرآمده بی اجازه - آقای محمد مرآت دوساعت

صورت غیبت و دیر آمدگی آقایان

نمایندگان در جلسه یکشنبه هشتم دیماه

غائبین با اجازه - آقایان: نورالدین

امامی، موسوی، بزرک نیا، امامی اهری

دکتتر عنوی، مکرّم، بهادری، اورنگ

عباسی، گنجی، صاحب جمیع، اردلان، فرامرزی

ظفری، اسکندری، دکتتر مجتهدی، دکتتر

جلالی، سالار بهزادی، طباطبائی، کتابادی

غائبین بی اجازه - آقایان: محمودی، دکتتر مصباح زاده، برومند

نصرتیان، محمدعلی محمودی، خسروی

فشقائی، ملک مدنی، دکتتر معظمی

مجتهدی، فقیه زاده، کرکائی، سر تپیز زاده

ناظر زاده، مهدی ارباب، حسن اکبر

غلامرضا فولادوند، ابتهاج، شهاب خسروانی

فتحعلی افشار، کودرزی، دکتتر سید امامی، معدل، حمیدیه، قرشی، نقّه الاسلامی، دهقان، همدان تربتی، کشاورز صدر، رضوی، سودآور، کورآغلی، محمدهراتی، حسن نبوی، افشار صادقی، محمد ذوالفقاری، امیر افشاری، ناصر ذوالفقاری، کهدی، صدیری، حکیمی، رستم گیو، صالح، دکتتر بقائی، مکی، دکتتر شایگان، جوادمحمودی، صدر میر حسینی، خزینه علم، دکتتر برال

رئیس - یکمده از این آقایان تقاضای مرخصی شان بکمیسیون محاسبات فرستاده شده بهداز تصویب البته اصلاح میشود آقای صفائی

صفائی - در این قسمت که جناب آقای رئیس فرمودند بعضی از تقاضاها در کمیسیون تصویب می شود بنده از آنها بیستم که غیبتیم تصویب کمیسیون رسیده و قطعاً از لیست غائبین بدون اجازه حذف خواهم شد و موضوعی که بایستی راجع بهمین غیبت بعرض آقایان برسانم این است که در آن جلسه اسبق از طرف اقلیت استیضاحی از دولت آقای دکتتر مصدق تقدیم مجلس شورای ملی شد بلحاظ اینکه بنده نبودم اسم بنده جزو استیضاح کنندگان ثبت نشده است فلذا بدین وسیله موضوع استیضاح را تصدیق میکنم و الحاق خودم را به اقلیت در موضوع استیضاح بعرض مجلس شورای ملی میرسانم

قاسم فولادوند - احسنت

رئیس - این موضوع مربوط بصورت مجلس نبود شما نیز البته میتوانستید استیضاح بکنید آقای فرهودی

فرهودی - در یکی از جلسات بنده را غایب خواندند در صورتیکه بنده هم در جلسه سابق مطالبی بدلیل همین صورت مجلس اینجا عرض کردم و هم در جلسه ای که تشکیل نشده حاضر بودم بعد هم راجع

پهلوانیکه یکدوازدهم تصویب شده باشد در این صورت مجلس می بینم که یکی از آقایان نماینده گان پیشنهاد کرد که آن ۱۰ تومان اضافه حقوق مستخدمین جزء یکدوازدهم باشد اینجا هم در صنف دوم صورت مجلس وقتی که آن پیشنهاد خوانده شده است چند مرتبه آقایان گفته اند صبیح صبح صبیح است آقای شوشتری هم فرمودند همه موافقم اینجا هم قید شده است که این ۱۰ تومان اضافه حقوق مستخدمین جزء یکدوازدهم باشد ولی متن یکدوازدهم را که بنده دیدم به مجلس سنارفته اشاره های آن نداشته است بنده نمی خواهم از جناب آقای رئیس که همیشه طرفدار خدمتگزاران جزء هستند خواهش کنم که وقتی رأی نهائی می خواهند بگردد با اضافه این ده تومان باشد برای اینکه مجلس قبول کرده است (صبح است)

رئیس - آقای ابریشم کار نسبت به صورت مجلس نظری دارید ؟

ابریشم کار - اسم بنده جزو فائین اوسته شده توضیحی دارم

رئیس - بفرمائید

ابریشم کار - اسم بنده در جزو فائین جلسه گذشته برده شده بود همان روز بنده را از امواز با تلفن روسای مشاورین خواست بودند و ما امروز بنده استند کرده بودم که چون موضوع مهمی است در اینجا عرض کنم (صبح است) و حالا هم باز استند ما بکنیم که اجازه بفرمائید بنده بطور اختصار این موضوع را بر عرض آقایان برسانم

رئیس - آقای ابریشم کار غیبی شایب بعضی از آقایان که حاضر شده بودند اصلاح می نمود ولی شایبانی هم از صورت مجلس نمی توانید بکنید

ابریشم کار - بنده چیزی عرض نمی کنم ولی اجازه بفرمائید موضوعی است راجع به غوزستان و رؤسای مشاورین غوزستان این غوزستانی که همه الان برای آن داد می زنند راجع بان چند دقیقه صحبت کنم

رئیس - بعد می توانید صحبت کنید ممکن است یک نفر از آقایان بشما دقیقه وقت بدهند حالا نمی شود آقای آشتیانی زاده نسبت بصورت مجلس نظری دارید ؟

آشتیانی زاده - بنده عرضی ندارم

رئیس - آقای اسلامی نسبت بصورت مجلس نظری دارید بفرمائید

اسلامی - بنده این طور بنظرم رسید که بنده را جزو فائین بی اجازه نوشته اند در صورتی که چهار روز مخصی داشتم و این قسمت را از آن محل استفاده کرده ام خواهش می کنم که اصلاح بفرمائید

رئیس - اصلاح می شود آقای پیراسته - یک اصلاح جزئی است که استعدا می کنم دستور بفرمائید اصلاح شود و آن همان موضوعی است که آقای فرهودی فرمودند بنده در جلسه گذشته عرض کردم که ده از اشراف تشکیل شده و بفرکر کارمندان نیست و عرض کردم که این آقایان چون خودشان مسئول هستند تصور نمی کنند که ده تومان در زندگی کارمندان جزء تأثیر دارد چون خودشان اشراف هستند باین نظر توجه نمی کنند این در صورت مجلس نیست نمی می کنم این را دستور بفرمائید اصلاح شود و ضمناً این نامه ای که خدمتگزاران جزء نوشته اند به مجلس تقدیم می کنم آقایان توجه بفرمائید که در این فصل زمستان برای خدمتگزاران جزء ده تومان تأثیر دارد البته برای اشراف مملکت که بسکهاشان و بسکی می دهند تأثیر ندارد ولی ده تومان برای کسی که صد تومان حقوق می گیرد تأثیر دارد در خانه نامه های رسیده راجع بانتهای کدورت ادعای کند دخالتی نکرده انواع دخالت ها را می کند

قاسم فولادوند - کجا دخالت نکرده است ؟

شوشتری - آنجا که دخالت نکرده است کجا است ؟ آن را بفرمائید

رئیس - دیگر نظری نسبت به صورت مجلس نیست (گفته شد خیر)

۳- بیانات قبل از دستور آقایان: غلامرضا فولادوند جمال امامی (اسلامی)

رئیس - نطق قبل از دستور شروع می شود آقای غلامرضا فولادوند

غلامرضا فولادوند - بنده خدمت خودم متفوق نشدم و بنده خودم را بنده فرماندار را هم مقصر نمی دانم زیرا دستور فرماندار را مأمورین انظامی اطاعت نمی کردند (یک نفر از نمایندگان - دستور داشتند که اطاعت نکنند) روز بعد که با قرعه درغیاب آن چهل نفر ۳۶ نفر از توی مجلس کرده ام که مورد تصدیق جنابان آقایان حائری زاده و مکی در چندین جلسه بخصوص در جلسه ای که جناب آقای دکتر مصدق از آمریکا تشریف فرما بودند و در مجلس در حضور ایشان تصدیق کردند که بنده یکی از کلاسی سر سخت مبارز و فداکار بودم که در اواخر دوره مجلس بنده با سایر دوستان نگذاشتیم این لایحه تصویب بشود بازو کیلی هستم که در دوره ۱۶ آنچه توانسته ام آنچه برای لازم بوده بکایت آقای دکتر مصدق بوضع نفت برابر میل ملت ایران داده ام

این هراض را حضور مبارک آقایان عرض می کنم در جلسه نبل ضمن طرح لایحه یک دوازدهم بنده از بریان انتقادات شاهرود شه ای بعرض نماینده گان محترم ملت ایران رسانیدم ولی بامر مشایر است برای این که لایحه یک دوازدهم تصویب بشود و مجلس از اکثریت نینفت آنچه لازم بود گفته نشد و بقیه هراضیم بیخسه امروز موکول گردید جریان انتقادات شاهرود فعلا از این قرار است که آقای شمس قنات آبادی باقوا و تجهیزات کافی بشاهرود رفته اند و تمام مأمورین دولت مرعوب و بهیچ وجه قدرت نمی کنند و ظایف قانونی خودشان را انجام بدهند بنده هم که وکیل شاهرود بودم و هم در دوره است که در این جا هستم و آن جاهم علائقی و سوابقی دارم ، ملکی دارم و خدمات بزرگی باهالی شاهرود کرده ام من را اهالی شاهرود بهتر از شهرستان های دیگر می شناسند در آنجا بودم فرماندار بدستور هیئت دولت با حضور اعضای انجمن شهر از ۱۰۸ نفر دعوت کرده (سعید مهدوی - همین خلاف قانون است) (شوشتری - بفرمائید فرماندار قره ای ۱۰۸ قانونی) روز پنجشنبه ۲۷ آذر ماه سه بعد از ظهر ۱۰۸ نفر مقرر می شود که در فرمانداری حاضر بشوند در جلو فرمانداری که از چنه روز پیش منظم جماعتی ایستاده و بر مردم اهالی شراهات و وقعی می بگردند این جماعت حضور کلیه مأمورین انظامی و در حضور تمام مأمورین دولت باغ روبروی فرمانداری که ده متر فقط فاصله عرض خیابان بود از ساعت ۳ بعد از ظهر تا ساعت ۱۲ نصف شب توقیف کردند و نگذازدند که این عده در انجمن حاضر نشوند (پناهی - معنی آزادی انتخابات این است) آنچه با آقای فرماندار و آقای بازرس و مأمورین از منزل تلفن کردند و نوشتن مفید واقع نشد و بنده خودم را بنده فرماندار را هم مقصر نمی دانم زیرا دستور فرماندار را مأمورین انظامی اطاعت نمی کردند (یک نفر از نمایندگان - دستور داشتند که اطاعت نکنند) روز بعد که با قرعه درغیاب آن چهل نفر ۳۶ نفر از توی مجلس کرده ام که مورد تصدیق جنابان آقایان حائری زاده و مکی در چندین جلسه بخصوص در جلسه ای که جناب آقای دکتر مصدق از آمریکا تشریف فرما بودند و در مجلس در حضور ایشان تصدیق کردند که بنده یکی از کلاسی سر سخت مبارز و فداکار بودم که در اواخر دوره مجلس بنده با سایر دوستان نگذاشتیم این لایحه تصویب بشود بازو کیلی هستم که در دوره ۱۶ آنچه توانسته ام آنچه برای لازم بوده بکایت آقای دکتر مصدق بوضع نفت برابر میل ملت ایران داده ام

قانون آن دست می گردند مأمورین انظامی بهیچ وجه نسبت بانها تعرض نمی کردند (سعید مهدوی - مأمورین تابع دولتند) بهر صورت انجمن از افرادی سواد تشکیل دادند از جمله عده ای که حاضر شده بودند چند نفر بی سواد بودند (پناهی - همه جاهه بی سواد شده است) عده بنده جریان را بطور مستمر به آقایان امر نیوسور نوشتم در مجلس شورای ملی همین آن نامه را قرائت می کنم (شوشتری - ایشان هم بارول دونور دارند) (آزاد - آقای شوشتری فارسی را بگویند) جناب آقای امیر تیمور وزیر کشور در شهر شاهرود چندی است آقای شمس قنات آبادی و کسان ایشان مشغول تهدید و ارهاب مردم شده اند بدین تفصیل که ایشان خود را نماینده مخصوص جناب آقای نخست وزیر و مقامات دیگر معرفی نموده و اهالی را مرعوب کرده اند که باید شمس قنات آبادی در آنجا وکیل شود علاوه عده ای اشخاص خطرناک و چاقو کش از تهران برده و علناً اشخاص خطرناک شهر را نیز دور خود جمع کرده منظم در شهر میتینگ داده و فحاشی و اهانت علنی در حضور مأمورین باین جانب و طرفدارانم می نمایند و اهالی را نیز تهدید بقتل و هتک شرف می نمایند یک نفر آخوند نیز که خود را در لباس روحانی در آورده از تهران بان جافر ستاده بنام شیخ مولایی که بدستور کتبی آقای دکتر شروین رئیس کل اوقاف از اداره اوقاف شاهرود بیولایشان داده شده با اهات افراد شامرووی مشغول است و دستور می دهد فولادوند و کسان او را بکشید تهران با ما است و ترس نداشته باشید مأمورین محلی نیز هموما مرعوب آن شده اند و از ۲۸ آذر که فرماندار ۱۰۸ نفر را برای تشکیل انجمن دعوت نمود این عده را در دب فرمانداری آورده در حضور کلیه مأمورین اعم از پلیس و غیره ۳۸ نفر از مدهوین را از درب فرمانداری گرفته و در باغ روبروی فرمانداری از ساعت سه بعد از ظهر تا ۱۲ شب توقیف کردند و نگذازدند در فرمانداری حاضر شوند و آنچه تذکر دادم مأمورین انظامی توجهی نکردند و خلاصه فرماندار بازرس و کلیه مأمورین انظامی مرعوب شده اند و یک وحشت و رعبی ایجاد شده است که کسی نمیتواند از خانه خود آزادانه خارج شود و کلیه روسای ادارات نیز از این جریانات مستعجز هستند باین ترتیب انتقادات آزاد در شاهرود بهیچوجه مفهومی ندارد (شوشتری - و در سایر جاهات) انتقادات با تهدید و رعب و وحشت و تهدید بقتل جریان مقاماتی خود را طی میکنند (مهدوی - انتقادات خود تهران هم آقای بهتر از آنجا نیست) (زنک رئیس جهت سکوت) تغلفاتی هم که در دعوت انجمن شده یکی

اینکه چهل نفر از صد و هشت نفر را بقراری که عرض کردم توقیف نمودند دوم اینکه از سی و شش نفر مدهوین سه نفر آنها که حاضر بودند بسواد هستند همین تذکر باقوی فرماندار داده شد جریان نور صورت مجلس انتخبات انجمن ذکر شده و بامضای کلیه حاضرین و فرماندار و بازرهاریسیده و آن سه نفر نیز ذیل صورت مجلس را انگشت زده اند (قاسم فولادوند - انتقادات آزاد است) سوم اینکه دو نفر از ۳۶ نفر مدهوین از چند روز قبل از دعوت تا حال در تهران بودند که یک نفر از آنها بنام رضوی نژاد بی سواد می باشد چهارم از ۹ نفر اعضای اصلی انجمن که با این ترتیب برنجی بسواد است صرف نظر از اینکه انجمن تعیین شده برخلاف صریح ماده ۱۴ قانون انتقادات است و بایستی تجدید دعوت انجمن انتقادات بشود با توضیحی که فوقاً معروض شد ملاحظه است که مردم بتوانند در انتقادات آزادانه شرکت کنند از جناب عالی که یک نفر مرد با شرف و درستکار و عالم بامر انتقادات هستید بطور انتظار می رود که بوسیله اعزام یک نفر مامور عالی رتبه قوی امثال آقای اشتری و اعزام قوای لازم نظم شهر را سر بیا حفظ فرمائید تا مردم بدانند که آقای شمس قنات آبادی بی جهت مدعی است که کاندید تهران است زیرا همان حضور ایشان در شاهرود و شرکت سابقه ای در آن شهرستان ندارد عده ای آزادی انتقادات را برای مردم مسلم می نمایند پس از اعزام مأمور قوی و درستکار و ایجاد نظم اگر آقای شمس قنات آبادی روز در شاهرود توقف کرد آن وقت معلوم است که ایشان کاندید مردم بوده و در انتظار رای دارند آقای وزیر کشور این مقامها گزنی است و می دانم جناب عالی هم اعتناء باین نحو مقامات که ثمره اش انتخبات آقای شمس قنات آبادی از شاهرود باشد ندارد بنده هم والله اعتناء وکیل شدن را دیگر ندارم ولی حاضر نشوید که شرف اهالی یک شهرستانی با دست شما از بین برود و تلگراف و دستور جناب عالی هم بامورین محلی بهیچوجه مؤثر نیست زیرا مأمورین کوچک و ضعیف هستند و کاندید ادعاهائی را خودتان و آقای نخست وزیر و هم ملت ایران بهتر از من می شناسید در این مورد بایستی مردانه اقدام بکنید و یک نفر بود که حیثیت یک وزیر یا معاون وزارت داخلی را داشته باشد با اختیارات کافی اعزام فرمائید بنده برای اینکه تکویند چرا مطالب را عرض نکردم یکی از صد ها جریان امر را عرض نمودم خود دانید این جریان را با آقای وزیر کشور عرض کردم و در مجلس هم می گویم بیش از این حق ندارند اهالی شاهرود چیزی از من بخواهند در شاهرود جاهاتی که از بنده طرفداری می کردند خواستند نگذازدند

صورت مجلس را انگشت زده اند فولادوند در محل اعتراض کرد و کسب تکلیف می - کند جناب آقای امیر تیمور ولی تلگراف شماره ۱۶۶۶-۳۰۳۰۱۰۳۰ شرحی بفرماندار نوشت باین مضمون «فرماندار مطابق قانون انتقادات طبقات شش گانه و مستخدمین محل بایستی از اشخاص با سواد دعوت شوند بایستی که اشخاص بی سواد در انجمن دعوت کرده اید چیست معلوم می شود شما یک نظر خاصی داشته اید علیهذا انجمن قانونی تشکیل نشده است و بایستی انجمنی از اشخاص با سواد طبق مواد مترجم در قانون انتقادات دعوت و تشکیل دهید» (قاسم فولادوند - یعنی آن انجمن باطل است) تلگرافی هم مغایره کردند باین مضمون که «اشخاص شاید و مجهول الهوی های شهر شاهرود آمده اند خود را کاندید دولت معرفی کرده اند دولت کاندید ندارد» من ناچارم در این مجلس مقدس از آقای امیر تیمور تشکر بکنم (صبح است) ولی از روز سوم دی تا امروز که دهم دی است و تلگراف ایشان و امریه ایشان نداده اند و تلگرافی که دیشب از شاهرود بتاریخ نهم که دیروز باشد و فوری است بن مغایره شده است این است «فوری آقای فولادوند آقای شمس قنات آبادی بهران آمد و تأیید انجمن را از وزارت کشور گرفت و بشاهرود مغایره کرد خودش هم برای ارهاب مردم اهالی این شهر بشاهرود آمده است انجمن مشغول کار است فردا آگهی انتقادات الصاق می شود مؤمن - زاده علیزاده» اینها دو نفر از اعضا انجمن شهر هستند (سعید مهدوی - آقایان بیدار از کی گرفته است؟) (شوشتری - در گرگان هم همینطور است) بنده در این هراضم یا صادق هستم یا کاذب از دو حال که خارج نیست عرضم اینست که برای روشن شدن ذهن آقایان نماینده گان محترم دو نفر سه نفر یک نفر از وکلای اکثریت را تعیین کنید اولاً بیرونه وزارت کشور را که وزیر کشور صریحاً تلگراف کرده انجمن قانونی نیست و تاکنون بامر ایشان بهیچوجه اعتناء نشده ملاحظه کنندو ثانیاً یک نفر از طرف مجلس و بایک نفر که مورد اعتماد مجلس باشد بشاهرود برود و ببیند که باین شهرستان چه ظلمی میشود والله باشد بنده از این دقیقه عرض می کنم بنده با این ترتیب کاندید شاهرود نیستم و نمی خواهم هم از آنجا وکیل بشوم ولی آقایان این نحو انتقادات است من این جریان را با آقای نخست وزیر عرض کردم با آقای وزیر کشور هم عرض کردم و در مجلس هم می گویم بیش از این حق ندارند اهالی شاهرود چیزی از من بخواهند در شاهرود جاهاتی که از بنده طرفداری می کردند خواستند نگذازدند

عضو دعوت شده را بازور به گرگان ببرند ، طرف آنها مأمورین شهر بانی شلیک کردند و چند نفر را گرفت و حبس کرد در صورتیکه تا آرزو هر چه آنها کردند هراقدمی آنها کردند یک کلام شهر بانی آنها حرف نزد و اکنون مردمان با شرف شاهرود فرار کرده اند والان آمده اند تهران یکی از آنها آقای تهران رئیس انجمن شهر است که الان در تهران است عده ای از اهالی بسبزوافر از کرده اند و در شاهرود اکنون باین وضعیت ننکین انتقادات این شهرستان جریان دارد (قاسم فولادوند - چشم دکتر مصدق روشن) بنده که تا امروز طرفدار دولت بوده ام بنده که تا امروز بوظایف قانونی خود عمل کرده ام (جمال امامی - از اول کار بدی گردید) من شرفاً از شما می پرسم آیا من وکیل دیگر حق دارم که طرفدار دولت باشم وقتی یک عده و عمل خلافی انجام می - دهند انواع تهتها را بما زده اند چهار ماه پنج ماه با فحش دادند اهانت کردند نسبت سوء دارند ولی من برای اینکه یک روز یک نفر در این مملکت تکویند آقا دکتر مصدق می خواست نفت برای ایران بگیرد چرا مخالفت کردی باینجهت با اینکه برادرم هم جزو کلاسی اقلیت بود تا امروز ماندم و بدکتر مصدق رأی دادم اما برای اینکه بدانید یک وکیل بایستی منصف بچه صفائی باشد چون تهمت و افترا بقدری در این مملکت زیاد شده است من ناچارم عرض کنم بنده یک وکیل بودم که صحت مسلم را بخود مردم شاهرود تصدیق کرده اند و همین جهت هم مرا وکیل کردند و بعد در خدمات ۱۶-۱۵ ساله ای که در عدلیه داشته ام و اکثر مقامات عدلیه را دیدم در بیرونه بنده شمت و ضبط است و اما برای اینکه بدانند مراجع تقلید نسبت بنده چه نظری دارند من با اینکه اهل خود ستانی نیستم ناچارم این جریان را عرض کنم با اینکه خود ستانی عیب است و رضای نبود این مطلب را عرض کنم ناچار گردیدم فتوای حضرت آیت الله آقای حاج آقا حسین آقا بروجردی را که در مورد بنده فرموده اند با استحضار ملت ایران برسانم روز عید نوروز که حضور مبارکشان بودم و قریب ۵۰۰ نفر از اهالی بروجرد وقم و تهران شرف حضور داشتند در مورد بنده فرمودند «با اینکه دستورات اسلامی مبنی بر دیانت و درستکاری وضعت عمل است متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و غلامرضای فولادوند که از افعال و رفتار استحضار کامل دارم متدین و امین و درستکار است و اضافه فرمودند که خوشوقتی من بیشتر از آنچه است که اهل شهری است که من در آنجا متولد شده ام» و این تعریف آیت الله موجب فبسطه

عده زیادی از حاضرین گردید و چند روزی گذردم بود اهالی آن شهر و طلاب قم بنده را بیلد بگر نشان داده و مرمی می کردند همچنین دیانت و درستکاری بنده مورد تأیید و تدار حضرت آیت الله آقای میرسید سعید بهبهانی قرار گرفته است باید ملت ایران بدانند که مقامات روحانی و مراجع تقلید معوم و دور از افراق و کزاف گوئی می باشند و شوشتری بنده مرد و وجود محترم در حال حیات می باشد و وظیفه خدمتگذاری بنده و کارهای اداری و مجلسی من و وظیفه دیانتی من و وظایف سیاسی من در موضوع نفت و روپه بنده در این دوره اینها بوده است که عرض کردم علیهذا بنده که بهیچوجه شایق نیستم که این تلوزو وکیل بشوم خواستم عرض کنم که اگر اشخاصی برخلاف واقع چیز هائی گفته اند بایستی مورد توجه واقع شود و این جریانات انتقادات شاهرود است که با وضع ننکین جریان دارد از مجلس شورای ملی تقاضا می کنم که هیئت را برای نظارت معین بکنند که در شهر شاهرود و شهرهای دیگر این طور انتخاب جریان پیدا نکنند و این طور و کلا بجناس نیابند

شوشتری - اصلاحاً بطور انتقادات قانونی نیست

رئیس - آقای صفائی

صفائی - من وقتم را بجناب آقای امامی داده ام

رئیس - آقای جمال امامی

جمال امامی - بنده سه ماه پیش در این مجلس حضور آقایان عرض کردم تا کد دست می رسد کاری بکن

پیش از آن که تونیا بدیهی بکار حالادیدید که راست می گفتم حالا بیبشید که نمی گذارند مجلس تشکیل شود آن که آقای دکتر مصدق که هر روز می جست پشت تریبون و رأی اعتماد از مجلس می خواست حالا دیگر نمی گذارند مجلس تشکیل بشود چه شد ؟ چرا بیوقع و بی موقع هر روز تقاضای رأی اعتماد می کرد ولی امروز دیگر مایل نیست مجلس تشکیل بشود ؟ چرا از گفته های بچه های استو کس میترسد ؟ مصدق السلطنه چرا این مرد وطن پرست با رفقای خودش که مخالفین انگلستان هستند به مجلس نمی آیند ؟ حیا من نمی دانم چرا اعمال خودشان را انگلیسها عوض کردند ؟ آنها ای که سی سال بیست سال در آستان آنها خدمتگزاری کرده بودند این احق ها عمل است متأسفانه کمتر مورد توجه قرار گرفته و غلامرضای فولادوند که از افعال و رفتار استحضار کامل دارم متدین و امین و درستکار است و اضافه فرمودند که خوشوقتی من بیشتر از آنچه است که اهل شهری است که من در آنجا متولد شده ام» و این تعریف آیت الله موجب فبسطه

این مجلس عالی دکتر مصدق کجا هستند شاهام اخیر از جویچه های استو کس شده اید آقای مهدوی از سه چهار روز قبل بانظر طرف که گرفته استیضاح را امضا کردند قبل از آن فرزند کتر مصدق و از برادران دیش بودید و حالا جزویچه های استو کس شدید جز وصال آنها شده اید. ۱۵ میلیون جمعیت ایران جزویچه های استو کس خواهند شد (شوهرتری - بیست میلیون) بیست میلیون بقول آقای ماددا می کنیم که این فداکاری را برای مملکت می کنیم اینها ادعای کنند ماجویچه های استو کس هستیم برای گلروی آقای استو کس این فداکاری را می کنیم. می گویم عقیده شان اینست چون آنها بهتر از من و شما میدانند که حاصل استو کس کی هست کی نیست. چون حاصل وحی هستید خودشان بهتر از من و شما می دانند این دکتور مصدق بارها پشت این تریبون گفت که زمانه جنایت کاری، کاربدی کرد که گفت من خجالت می کشم بگویم آن گفت حرف خود او را می زنم مثل گفتی زاده بوجود نیامورد و عامل قرارداد ۱۹۳۳ او بود و نسبت بشکست افراد حزب عامیون هم اینرا گفته، در صورت مجالس هست شما نگاه کنید که در این مجلس پنج ش نفر از اعضاء حزب عامیون هستند و اینها برای دکتر مصدق یقه درانی می کنند. کجاست آن حاجی حاذقی؟ او عضو حزب عامیونست سر تیب زاده واردان عضو عامیون هستند آقای فرهودی جناب عالی هم هستید؟ (فرهودی - بنده جزء هیچ حزبی نیستم) آقای فرهودی عضو حزب عامیون است حکیمی عضو حزب عامیون است ملت بینید کیها یقه درانی می کنند برای دکتر مصدق حالا باید دکتور مصدق این جا بگوید که من غلط کردم تقی زاده این طور که من خیال می کردم نبوده است و یا باید تصدیق کند که او هم جزء آنهاست حالا من از اشخاص دیگری که ۲۰ سال ۳۰ سال است در این مملکت بمال انگلیس معروف هستند صحبت نمی کنم آنها می گذارند کدر کسببون بقول ایشان قرارداد سادوکس را امضا کردند نمی آیند بمجلس و حالا دم از وطن پرستی و ملی کردن نفت می زنند (خطاب با آقای فرهودی) کجا تشریف می برید؟ من جارتی نخواستم نمودم کرد گله ای که دارم چون بلند شدید یاد آمد این روزنامه اطلاعات همیشه طرفدار دولت ما بود، موافق الدوله بود ولی در اخبار جنبه بی طرفی را مراعات می کرد ولی بدبختانه اخیراً گروهی انتخاباتی کرده (بکی از نمایندگان - برای کجا) نمی دانم و مراعات بی طرفی را در اخبار نمی کنند و موجب تأسف است چون روزنامه اطلاعات روزنامه وزین ماست وحیف است که از آن وضعیت خودش برگردد استدعا می کنم از جناب آقای فرهودی روزنامه

اطلاعات را آلوده بکشمکش های انتخاباتی و سیاسی نکنند انشالله نخواهند فرمود بطور تذکر عرض می کنم چون اخیراً روزنامه اطلاعات آن بی طرفی سابق خودش را از دست داده (شوهرتری - نطق های ما را هم تعریف می کنند) بنده اگر خاطر مبارک آقایان باشد روزی که از زرم آرا استیضاح می کردم این جا گفتم که رزم آرا قبل از این که نخست وزیر شود من بهش علاقه داشتم و برای نخست وزیرش کوشش کردم به متوجه اعمال او شدم روزی از زردم نخست وزیر او من شروع به مخالفت کردم در استیضاح گفتم برزم آرا که تو کرنسکی ایرانی بعد از تو اوضاع ایران متقلب خواهد شد رزم آرا را کشتند ولی نقشه همان نقشه است بدست رزم آرا می خواستند انجمن های ایالتی و ولایتی تصویب بکنند ایران را تجزیه بکنند بقول تر کها گفتند او اولمادی بوالسوس یعنی آن نشد این باشد او را که کشتند حالا بدست دکتر مصدق نقشه بشکل دیگر انجام می شود آقای غلامرضا فولادوند دوست عزیز من فرمود که من از اول طرفدار حکومت دکتر مصدق بودم. من ایراد بایشان همین است آقا شما که طرفدار بودید چرا گذاردید تا اکنون مملکت با این ورطه هلاکت بیفتد. چرا؟ مگر شاهام مثل مانینینید که دکتر مصدق دارد چه نقش بازی میکند و مملکت را می خواهد بکجا بکشد؟ هر چه باینها می گوئیم تنها آتوشان اینست آتورا به بینید ده دقیقه من بطرفداران دولت گفتم آخر شما هم زبان دارید این همه یقه درانی وسینه چاک می کنید با شویب بیانیید با بگوئید که چه عملی این دولت کرده که خلاف قاعده نباشد بلکه عملش را بگوئید. آخرش بین جواب دادند که ما مکر عمل انگلیس را از شرکت نفت بیرون نکردیم؟ اولاً چرا کردید؟ مگر خود دکتر مصدق قانون نگذارد که آنها را بیرون نکنند. متخصص لازم داشتید. متخصص را وقتی بیرون کنید نفت تان می خواهد ماده ۶ ماده ۷ بود، شب بامن بحث کرد گفت که ما نمی توانیم اینها را بیرون کنیم باید یک ماده بگذاریم که آنها باشند و بعد ما بتوانیم بتدریج جای اینها را پر کنیم. سه هزار نفر را اگر سالی صد نفر بفرستید بخارج ۴۰ سال لازم بود که جای آنها را پر کنند. انتخارشان اینست که ما اینها را بیرون کردیم و رفتیم شورا موفق شدیم. نتیجه چی؟ نتیجه اینست که نفت ما رفت سینه خاک اینکارها را می کنند ملت هم می گوید موفق شده ایم موفق شدید چه کردید؟ (سعید مهدوی - ملی زوری را کاندید انتخابات تهران کردند اینها موفقیت روزنامه وزین ماست وحیف است که از آن وضعیت خودش برگردد استدعا می کنم از جناب آقای فرهودی روزنامه

انداخت برای اینکه بزانو در بیایم و هر چه بگوئید قبول بکنم یا مملکت را تجزیه بکنند. در هشت ماه زمامداری دکتر مصدق ملاحظه بفرمائید آقایان حزب توده از کجا بکجا آمدند؟ آذربایجان در دست حزب توده را تقویت کرد. آقا این هم طبعی است وقتی بکسلی دید که هشات جا که اش دولتش فارتگر است آدم کش است یک ملعانی می خواهد (سعید مهدوی - بازرسای خود دولت تصدیق کردند) می رود بآن ملجاء پنهانده می شود. هفت هشت روزنامه بودند در این مملکت که اینها ده سال است با حزب توده مبارزه می کردند. دولت اول زبان و قلم اینها را چید منحرف کرد مبارزه آنها را از حزب توده دیدند که اینها دولتشان برای آنها خطرناکتر از حزب توده شده، حزب توده را ول کردند برگشتند با دولت خودشان مبارزه میکنند اینطور حزب توده را تقویت می کنند. آذربایجان تقویت نیست برای حزب توده؟ مهم ترین روزنامه های این مملکت با آنها مبارزه می کردند. حالا نمی کنند. این سیاست دکتور مصدق بود. حزب توده اگر ملیونها خرج می کرد این عمل را نمی توانست انجام دهد (نیروی باش - اخراج کارشناسان آمریکائی را هم بفرمائید) این آقای وزیر کشور که بامن بدبختانه با خوشبختانه سابقه دوستی هم دارد آمد بقول آقایان اکثریت در کبیسون اکثریت آشتی بکنند. بناموس مادرش قسم خورد که شهر بانی از قضایای ۱۴ آذر اطلاع ندارد. در حضور رئیس مجلس هم بود که تشریف دارد و سایر آقایان هم هستند که شنیدند.

رئیس - اینطور قسم نخورد. قسم خورد ولی نه اینطور.

جمال امامی - بی لطفی نفرمائید دادم زده ام عبارت بسر مبارکتان خاطر من هست حالا قسم خورد که شهر بانی دخالتی نداشته است. این گزارش هیأت بازرسی است. می نویسد همه اش را شهر بانی کرده است. (سعید مهدوی - ایشان اطلاع نداشتند) چطور در شهر بانی نشسته بود اطلاع نداشت، بعد از ظهر من بایشان تلفن کردم بن خبر می دهند که ریفته اند روزنامه ها را غارت کرده اند و مال دولت هم کس می کنند ایشان گفتند الان من می فرستم جلو می گیرم این غارت تا ساعت ده شب ادامه داشت. در ساعت ۱۱ داشت و ایشان هم پشت میز شهر بانی جلوس فرموده بودند (شوهرتری - تا نصف شب) حالا باید بدست ایشان انتخابات آزاد کرد. سه ماه پیش، دوماه پیش من در این مجلس بعضی آقایان رساندم که آقایان اگر در

این محیط انتخابات شروع بشود این مملکت آتش می گیرد حالا می بینید که من حق داشتم آقای اسلامی می بینید حالا (صحیح است) (اسلامی - اجازه بدهید آقایان پیام آتجا تابگویم) می فرمودید که دولت جواب بدهد. جواب ما را هم داد حالا رفتی بابل و بر گشتی و بگو مملکت آتش می گیرد یا نه؟ عرض کردم وقتی نا امید شده فزاین که قضیه رفترا بجائی برسانند آمدند برای این که مردم ومجلس را مشغول کنند و دکان انتخابات را باز کردند و ما هم می دانستیم که این دکان دکان خطرناکی است چون بدبختانه مثل این که ما نایبندگان از روزی که می آئیم اینجا تکلیف نداریم مگر این که انتخابات آینده ما را تأمین کنیم ما برای این نیامده ایم ما آمده ایم مملکت را حفظ کنیم (صحیح است) بدبختانه نمایندگان متوجه این امر نبودند حالا که اکثر انتخابات دامنشان را گرفته است بواش بواش دارند ملتقت می شوند ۸ ماه ما در این مجلس دادیم آقا مملکتان رفت گوش نکردید حالا این دولت این وضعیتش این سازمانش آن فقلشان آن در ایشان آمده بناو همه مدهد که وقتی من از زوری نیل می گذشتم یاد آمد که خوزستان را بروم آباد کنم دکتور مصدق خوزستان را می خواهد آباد کند خوب با با اسب دوانی پیش کش قاج زین را بگیرتی.

رئیس - آقای امامی وقت شما تمام شده.

پیر آسته - بنده وقت خودم را به آقای امامی می دهم.

اسلامی - وقتشان را به بنده هم داده اند.

پیر آسته - وقتم را به آقای امامی می دهم اگر زیاد آمد به آقای اسلامی

رئیس - آقای امامی بفرمائید **جمال امامی -** عرایض آقایان هم بنده عرض خواهم کرد (اسلامی - شما بایلی نیستید) بای بنده بایلی نیستم. حالا می خواهد دکتور مصدق سد بکشد ترا کنور بیاید ماهین بیابورد یک میلیون نفر بخوزستان برود پنج ماه سال دیگر در خوزستان زراعت کند شاهام منتظر بنشینید ثمه اش را ببینید دکتور مصدق حاجین فاطمی (قاسم فولادوند - شایورد و لا کتاف) بارک الله. فرض کنید که توی این مملکت همه کورند همه کردند نایبنا هستند تا اندازه ای هم بدبختانه حق دارد اگر نبودند اجازه بصدقها و وحی فاطمی ها نمی دادند که هشت ماه در این مملکت اینطور حکومت کنند (دکتر طباطبائی - مصدق با حسین فاطمی مربوط نیستند) چرا آن معاون است آن رئیس آن بنده از این است او حسین فاطمی هارا می پروراند در این مملکت همه شان سرونه یک کر باشند اگر نبود غریک جرم نمی شدند این آقا

هم همینطور است (اشاره به آقای کاظمی وزیر امور خارجه) و بدتر از همه شان از است اومی پروراند او ایجاد میکند اگر او نبود اینها در مملکت پرورده نمی شدند چند و تنه اینجا بن تند کرده اند که این دکتور شایگان آمد اینجا یک چیزهایی گفت این دکتور حقوق است استاد حقوق هم هست حالا ایشان اوضاع و احوال را تطبیق با امیال وهوس های خودشان می کنند مثل سابررقایش آن روزی که ایشان معاون دکتور کشاورز بود آنروز داد میکرد که ملت پشتیبان حزب توده است آنروز که وزیر کابینه آقای قوام السلطه بود بنده یاد دکتور مصدق بر علیه انتخابات قوام السلطه متحصن بودیم آمد آتجا رو بروی همه به دکتور مصدق گفت همه رای ندادید ملت پشت سرفروام السلطه است (پیر آسته - بد کتر مصدق جلوی بنده فحش داد) حالا هم ملت پشت سر اینهاست خوب حالا بی فرض اینطور بدهد پس ملت هاهوق دکتور شایگان است هر کجا دکتور شایگان برود ملت هم می رود موقمی که اینها اقلیت بودند ادعا میکردند که اکثریت ملت پشت سرش است حالا ما اقلیتیم و نماینده اقلیت ملت ایران هستیم ادعا نمی کنیم که اکثریت ملت ایران پشت سرماست ما نماینده اکثریتیم مگر اقلیت حق میزند دکتور مصدق برای خدماتی که کرده گفتند عضو انجمن باشد آن قهوجی را هم گفتند عضو انجمن باشد اینها خوشان ادعائی ندارند من می شناسمشان آدم های بیچاره احساساتی هستند ولی دکتور مصدق می گوید چون برای من سینه درانی کرده اند عضو انجمن باشند آخر آقا با قباحت هم یک چیزی است کجای قانون بشما اجازه داده که ۱۰۸ نفر دعوت کنید و از این اینها ۳۶ نفر انتخاب کنید کجای قانون بشما اجازه داده که شب انتخابات فرجه بکشید فرماندار معین کنید فرمانداری که امروز میرسد بیک معنی او معتمدین محل را چطور می شناسد این عو جنجول بازی است در آورده اید برای این مملکت و دارید مملکت را آتش می زنید؟ کجای قانون بشما اجازه داده است اقلیت را باید سرش را بگوئید حق نطق را از او بگیرد که اظهار عقیده نکند. چندی پیش یکی از علمای بزرگ طهران آمد به توی من گفت من آمده ام امروز بشما دل داری بدهم گفت که این فحش را که بشما می دهند شما را دل سرد نکنید بیغیرها هم این زجرها را کشیده اند گفتم آقا چرا قیاس مع الفارغ می کنید گفت چطور؟ گفتم بیغیرها هم بر دم گفتند ما شما را میبیزید آخرت دنیا تان را ول کنید بشرم ضعیف النفس است قبول نمی کرد من کی هیچو غلطی کردم؟ رفقای من کی هیچو غلطی کردند؟ (مخبر فرمهند - این حرف ها چیست آقا؟) (رفیع آتجای امامی مثل را خوب انتخاب نکردید) یعنی ما ادعائی کنیم هیچو غلطی نمیکنیم

لطف بفرمائید گفتم ما کی ادعا کردیم گفتن آقا ما باین ملت آمدیم گفتیم که این عرف هائی که بشما می زنند دروغ است بفرض اینکه من اشتباه کرده باشم من که برای این حرفم دکان باز نکردم نمیخواهم سوء استفاده بکنم نمیخواهم پسر را برادرم را توی اداره بگذارم یا از گمرک مال مستهلک کنم یا مقام نخواستم عقیده مان این است و شیخه - من را در اختیار ملت گذاشته ایم فرض محال اشتباه کرده باشیم تا حالا هم که بعد از اشتباه نکرده ایم بفرض اینکه اشتباه کرده باشیم اینکه فحش نمی خواهد بمان فحش دادید تهمت زدید چرا یک عده جاقو کش باید دوروبر این دولت باشند و متمتع بشوند و هیچکس هم حرفی نزنند؟ انجمن انتخابات طهران را ملاحظه کنید مثل اینکه عقل وشعور را هم خدا از اینها گرفته است می گویم مگر پیر مرد هفتاد ساله از ما داری که بگوئی شمشیری هم عضو انجمن است آخر لافل حفظ ظاهر را بکنید این کار را یک بچه هم نمی کند این شمشیری بیچاره چلوپز خوبی است من وشما هم چلو کبابش را خورده ایم خودش هم ادعا ندارد که سواد داشته باشد داد می زند من بیسواد انگشت میزند دکتور مصدق برای خدماتی که کرده گفتند عضو انجمن باشد آن قهوجی را هم گفتند عضو انجمن باشد اینها خوشان ادعائی ندارند من می شناسمشان آدم های بیچاره احساساتی هستند ولی دکتور مصدق می گوید چون برای من سینه درانی کرده اند عضو انجمن باشند آخر آقا با قباحت هم یک چیزی است کجای قانون بشما اجازه داده که ۱۰۸ نفر دعوت کنید و از این اینها ۳۶ نفر انتخاب کنید کجای قانون بشما اجازه داده که شب انتخابات فرجه بکشید فرماندار معین کنید فرمانداری که امروز میرسد بیک معنی او معتمدین محل را چطور می شناسد این عو جنجول بازی است در آورده اید برای این مملکت و دارید مملکت را آتش می زنید؟ کجای قانون بشما اجازه داده است اقلیت را باید سرش را بگوئید حق نطق را از او بگیرد که اظهار عقیده نکند. چندی پیش یکی از علمای بزرگ طهران آمد به توی من گفت من آمده ام امروز بشما دل داری بدهم گفت که این فحش را که بشما می دهند شما را دل سرد نکنید بیغیرها هم این زجرها را کشیده اند گفتم آقا چرا قیاس مع الفارغ می کنید گفت چطور؟ گفتم بیغیرها هم بر دم گفتند ما شما را میبیزید آخرت دنیا تان را ول کنید بشرم ضعیف النفس است قبول نمی کرد من کی هیچو غلطی کردم؟ رفقای من کی هیچو غلطی کردند؟ (مخبر فرمهند - این حرف ها چیست آقا؟) (رفیع آتجای امامی مثل را خوب انتخاب نکردید) یعنی ما ادعائی کنیم هیچو غلطی نمیکنیم

نسن آینه و بلکه هفتاد و نسل واقع خواهیم شد حالا دیگر نمی گذارند مجلس تشکیل شد عرض کردم آن دکتور مصدق که هر روز می جست پشت این تریبون رأی اعتماد می خواست حالا دیگر رأی اعتماد نمیخواهد اگر هم بیاید بگوئید من با استیضاح جواب میدهم از حالا ما میدانیم که مجلس را نخواهند گذاشت اکثریت بشود این آقا (اشاره با آقای وزیر امور خارجه) امروز آمده من میدانم آمده که بگوئید من با استیضاح جواب میدهم ولی نمی دانم که ما میدانیم نمی گذارند مجلس اکثریت پیدا کنند (فولادوند - برای حقوق مردم نمیگذارند مجلس اکثریت پیدا کند) بفر صورت آقایان ما هشت ماه است داد میزنیم گفتنی ها را گفته ایم اگر دکتور مصدق برای استیضاح حاضر شد و گذاشت مجلس اکثریت پیدا کند گفتنی های دیگرمان را هم خواهیم گفت تا آنجائی که یک عده معدودی توانائی دارند از منافع کشورمان دفاع خواهیم کرد ولی آقایان من میدانم بین شاهام هنوز کسی هست که بحکومت دکتور مصدق معتقد باشد؟ گمان نمیکنم بین اینهایی که اینجا نشسته اند کسی باشد که بحکومت آقای دکتور مصدق معتقد باشد جز آقای مخبر فرمند که تشریف بردند بیرون (دکتر طباطبائی - بنده معتقدم) مگر دکتور طباطبائی (فولادوند - آتجم در بعضی از قسمت) در بین شاهام من گمان نمیکنم کسی این اعتماد را داشته باشد در این آخر دوره بیانیید و تکلیف نماینده گی خودمان را انجام بدهید اقلاصدی پنجاهش را برای خدا بکنید صدی پنجاه هم برای خودتان برای خدا که می گویم خدا احتیاجی بمن و شما ندارد برای مملکتان محضاً بشکنید اگر مملکت باقی نماند شما و کیش نخواهد بود اگر هم مملکت با دکتور مصدق باقی بماند شما و کیش نخواهد بود (شوهرتری - تطبیق بر مجال است) بهر صورت امیدوارم آقایان برای این بنده توجه بفرمائید و دیگر این را خود و خود گی را کنار بگذارند در این آخر عمر این کابوس وحشت این سرطان را از بسن این مملکت بیرون اگر نبرید این سرطان مملکت را از پای در خواهند آورد

رئیس - پنج دقیقه از وقت باقی مانده است که آقای اسلامی استفاده می کنند

اسلامی یک حوادثی در مازندران رخ داده و بعضی از روز نامه های مفرض مزدور یک اخباری جعل کردند که لازم بود بنده سر بیا به تهران آمده از پشت این تریبون محور نقل مملکت معالاب توضیح لازم را برض ملت ایران و نمایندگان ملت برسانم گرچه بنده بعضی از روزنامه ها که یک روزی از پیشه وری مدال ۲۱ آذر می گیرند و فردا که قشون ایران

آذر بایجان را اشغال کرد فوراً به پیشه وری می نازند و قومی نمی نهم اما بنده هم این جا نیامده ام که اظهار حیز و لایه بکنم یا مثل آقای فولادوند از نمایندگی استعفا بدهم با تمام هوامی که قوای دولتی برای ارسالن خلعت بری که خود را کاندید دولت ممرنی حکردو بنده نگذاشتم و مردم نگذاشتند انجمن از عوامل فساد تشکیل شود و من تا آخرین قطره خون نردم استفاده ام و اطمینان دارم که وسیل اول مازندران خواهم شد مگر این که بنده را بکشند و بنده آن جا این کار را می کنم (آشتیانی زاده - پس انتخابات آزاد است) (صفائی - مگر دولت حمایت میکند از شما؟) (رئیس - ساکت باشید شما که نمی گذارید کسی بزند) بنده برای اثبات عرایض خود از آقایان محترم استدعا می کنم که بیبنده فرصت کافی بدهند من جریان را در ظرف ده دقیقه برض آقایان برسانم

رئیس - بیشتر از پنج دقیقه نمی شود

اسلامی - آقای ارسالن خلعتبری آمد بیابیل بلند گویی تهنه کرد آمد بشهر که من عضو جبهه ملی و کاندید دولت هستم و از این مزخرفات البته مردم گول نمی خورند در و سوا را خواست تهدید کرد مردم را ترساند ۱۰۸ نفر با تهدید او بوقبل خودش اشخاصی هستند که مورد اعتماد هستند دعوت شدند اولاً ایشان بریش در حضور جمعی که بنده هم حضور داشتم اقرار کرد که من کسی را در مازندران نمی شناسم و اینها هم مرا نمی شناسند این می خواهد کبیل شود ۱۰۸ نفر را با تهدید دعوت کردند ۳۶ نفر از قرعه آمد وقتی ۳۶ نفر از قرعه درآمد از شدت خوشحالی کف زدند ولی وقتی ۳۶ نفر نشستند برای دادند یک اشخاصی انتخاب شدند که مورد علاقه ایشان نبود اعضاء اصلی که انتخاب شدند اعضاء علی البدل را هم برای گرفتند مشغول قرائت آراه بودند هفت هشت نفر رجاله در شهری که ۷۰۰۰ نفر جمعیت دارد و الان صدای مرا می شنوند دستور آقای ارسالن که مقابل اداره فرمانداری در اداره املاک نشسته بود می گفت آقا شما بریزید بزنید من در تهران هم روم درست می کنم آن چند مرد رجاله ریخته با سبانه ها جلوی نگردند و دفتر آقایان علماء را از پنجره پرت کردند بیانیید و سه جای سر برادرم را زدند مجروح کردند مردم شهر که مطلع شدند آمدند طرف فرمانداری و پاسبان ها آنها را بطرف فرمانداری راه ندادند هفت هشت نفر بهوا شلیک کردند آقای فرماندار دوسه انتخابات و آراه را بقبل کرد و رفت بیرون الان می گویند که دوسه است ولی آن رأی که برای آن ۹ نفر گرفتند دستور آقای ارسالن نیست و از

بیتوته و ایشان آمدند تهران این تلگراف را کردند بر روز پنجشنبه که الان بنده از جناب آقای رئیس خواهش می‌کنم که از تلگراف خانه آقا بخواهند برقیای اسلامی بگویند که با اقداماتی که در مرکز نزد وفا کرده ام قریبا انجمن را منحل خواهم کرد و شما همانطور تشنجت را ادامه بکشید که اینجین نیز باید که ادامه بدهد این تلگراف الان در پرونده هست (فاسم فولادوند - رفقا کی بوده آقای اسلامی؟) بلا فاصله سوار ماشین شدم ساعت سه بعد از نصف شب بود شوهر می‌گفت خوابم می‌آید گفتم برویم توی کولاک و طولان آمدیم تهران ساعت ۷ صبح رفتم منزل در کتار مصدق گفتم آقا فعلا از این فرار است گفتند انتخابات آزاد اینست که بزنده گفتم یعنی این طور که ۹ نفری را که خودشان می‌خواهند انتخاب شوند و الان که ۶ روز از آن جریان می‌گذرد و کسی را تعقیب نکرده اند در صورتی که در بروی بنده آقای وزیر عدلیه را خواستند آقای وزیر کشور را خواستند و در حضور بنده آقای وزیر عدلیه تلگراف کردند بدادستان که چنین و چنان بکنید آقایان ملک دارد می‌رود تاج داردمی رود سلطنت داردمی رود (سنوی) این حرف را نیز بد سلطنت چکار دارید) شهرستانها هرج و مرج است (یکی از نمایندگان - سلطنت چرا توهین می‌کنید) مملکت را نمی‌توانند اداره کنند آقامن توهین نکردم وظیفه من است من قسم خورده‌ام این جا باید اعلام خطر بکنم بشاه (شوشتی - حرف حسابی می‌زند آقا بفرمائید) کسی که آدمی کشد کسی که کتک بزند کی باید تعقیب کند؟ مدعی العموم نباید تعقیب بکنند؛ یک عده‌ای ریخته اند یک جایی یک جرمی از آن‌ها سر زده در حضور فرماندار مرتکب جرمی باین مشهودی شده‌اند بعد از ۲ روز دسرا آنها را توقیف کردند پنج نفر را توقیف کرد اینها ریختند توی داسرا و بروی دادستان هفت تیر کشیدند شیشه و پنجره را شکستند مستنطق بدادستان نوشت در صورت مجلس که چون جانم در خطر است وجه الضمان را ناچارم تبدیل کنم بکفیل آقایان من اینجا نیامده‌ام که اظهار هجر و لایه بکنم من آمده‌ام اینجا به آقای دکتر مصدق و تک تک آقایان عرض کنم بنده آنجا افرادی دارم که هزار مقابل از این رجالها زیادتر است خواهش می‌کنم از آقایان نمایندگان که پنج نفر یا شوند بخرج بنده تشریف بیاورند ببینند چه می‌کنند مردم دیگر مایوسی شده اند از دستگاه از دستگاه دولتی مأمورین دولتی قادر ب حفظ جان و مال و ناموس مردم نیستند شما باید برای خودتان تشوین چریک و مدعی تشکیل بدهید من برای حفظ جان خود و کسان خود ناچارم

شدم یک قشون مدعی درست کنم و از این تاریخ بید اگر قتل بشود در آنجا اگر جنایت بشود هر حوادثی روی بدهد مسئولیت آن بعهده دولت است (د کتر طبا - این صحبتها را فرمائید در ولایات اثر خوبی ندارد) بنده همان کسی هستم . . .

رئیس - آقای اسلامی وقت شما تمام شد یک کسی هم گذشته است . باید روز دیگر وقت بگیرید صحبت کنید .

اسلامی - آقایان حاضرند رای بدهند .

رئیس - عده کافی نیست که رای گرفته شود

پناهی - اکثریت نیامده اینها مخالف دولتند .

(۳- تعیین روز استیضاح)

رئیس - وارد دستور می‌شویم آقای وزیر امور خارجه بفرمائید

وزیر امور خارجه (آقای کاظمی) - استیضاحی که چند روز پیش عده‌ای از آقایان فرمودند روز هشتم دی بدولت رسید و جناب آقای نخست وزیر چون کسالت داشتند بنده را مأمور فرمودند که اینجا خدمت آقایان شرفیاب شوم و حضور آقایان عرض کنم که روز پنجم بهمن دولت برای جواب حاضر است

یکی از نمایندگان - تعیین وقت با مجلس است

جمال امامی - تعیین وقت با مجلس است دولت نمی‌تواند تعیین وقت کند .

وزیر امور خارجه - یک ماه وقت دارد .

صفائی - بشرطی که طرفداران دولت استرو کسیون نکنند و بیایند

رئیس - تأمل کنید نظر خودش را دولت بتواند برای روز استیضاح بگوید مجلس باید آنرا بپذیرد . بهمن که آخرین روز مدت مقرر در آئین نامه است انتخاب کرده‌اند؛ نباید از یکماه تجاوز کند در این صورت بسته بنظر مجلس است ماده ۱۷۴ قرائت می‌شود

صفائی - اگر دولت خوف ندارد چرا نمی‌آید جواب بدهد

رئیس - ماده ۱۷۴ قرائت میشود (شرح زیر قرائت شد)

ماده ۱۷۴ - پس از ابلاغ ورثه استیضاح بوزیر یا وزرا مورد استیضاح در اولین جلسه مجلس شورای ملی وزیر یا وزرای مزبور در مجلس حاضر می‌شوند و مجلس پس از انصاف نظر آنان راجع به تعیین وقت بدون مذاکره در اصل موضوع روز استیضاح را که بیش از یکماه بتأخیر افتد معین می‌نماید . تعیین وقت در مدت مقرر در این ماده حتمی است و تأخیر آن

ممکن نخواهد بود مگر با موافقت استیضاح کننده و دولت

شوشتی - ای یکماه است احدی کتار بکدام است

رئیس - حالا در صورتی که مجلس موافقت کند همان پنجم بهمن روز استیضاح باشد .

آشتیانی زاده - ماده ۹۰ بنده را فراموش نفرمائید

پیراسته - ماده ۹۰ بنده را فراموش نفرمائید

صفائی - آقا بالاخره چه شد همان پنجم شد؟

رئیس - محتاج باین است که مجلس رای بدهد حالا که اکثریت حاضر شد رای می‌گیریم من تصور می‌کنم اول بهمن را معین کنیم و مجلس هم موافقت کند .

جمال امامی - چرا باین دیری؟

رئیس - فعلا نامه مجلس سناراجع بیکدوازدهم قرائت می‌شود (شرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی در جواب مراسله شماره ۲۱۶۷۲ - ۲۰ ار ۳۰ راجع بطرح قانونی مربوط با اجازه پرداخت یکدوازدهم حقوق و هزینه کل کشور در آذر ماه ۱۳۳۰ که برای اظهار نظر بمجلس سنا ارسال شده بود اشار می‌دارد که طرح مزبور در جلسه روز دوشنبه ۹ دیماه ۱۳۳۰ مجلس سنا مطرح و با اظهار نظر موافق عینا به تصویب رسید .

از طرف رئیس مجلس سنا - دکتر مهدی ملک زاده

رئیس - در بودجه اسامی برای مستخدمین جزء نفری ۱۰ تومان تعیین شده (صحیح است) و قانونی هم در این قسمت هست بنابراین هیچ مانعی ندارد که آقای کفیل وزارت دارائی این را مورد توجه قرار دهند .

یکی از نمایندگان - قبول

محمد علی مسعودی - باید بلند شوند موافقت کنند برای اینکه در تبصره بودجه ۱۳۳۰ خودشان قبوز کرده‌اند . بالاخره باید تکلیف این ۱۰ تومان را معین کنند و باین ده تومان به یک دوازدهم رای بگیرند

رئیس - بگذارید اکثریت بشود

صفائی - حالا که دیگر نطق های قبل از دستور نیست موافقین دولت چرا نمی‌آیند تو؟ دیگر چرا خجالت می‌کشند؟

رئیس - آن دیگر بشمار بروطنیست آقای وزیر امور خارجه

وزیر امور خارجه - بنده با اول بهمن موافق نیستم ممکن است سوم بهمن

را معین بفرمائید

شوشتی - این حق نیست برای دولت . این ای است سرت من البصره ای المدینه

آشتیانی زاده - آقای رئیس ممکن است اجازه بفرمائید بنده صحبت کنم تا اکثریت برای رای کفلی بشود

رضوی - اجازه بفرمائید یکدوازدهم مطرح شود

یکی از نمایندگان - استیضاح مقدم است

رئیس - گفتم اول بهمن روز استیضاح است .

وزیر امور خارجه - عرض کردم اول بهمن را بنده موافق نیستم سوم بهمن را موافق می‌کنیم و مجلس هم موافقت کند .

یکی از نمایندگان - رای بگیرید .

رئیس - سوم تا اول فرقی ندارد بنده گفتم اول بهمن همان اول خواهد بود آقایانی که با اول بهمن موافقت می‌کنند (اکثر برخاستند) تصویب شد پس روز اول بهمن روز استیضاح است

(۴- اخذ رای و تصویب اجازه پرداخت یک دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت آذر ماه ۱۳۳۰)

رئیس - آقای مسعودی بنده پیشنهاد کردم یک دوازدهم از دستور خارج شود

یکی از نمایندگان - رای نهائی است نمی‌شود

محمد علی مسعودی - آقای رئیس قرار بود آقای کفیل وزارت دارائی موافقت خود را اعلام کنند باید آنرا بر طبق فروردین بپردازند نه بر طبق بودجه . . .

رئیس - نظر خودتان را بفرمائید آقای کفیل وزارت دارائی

کفیل وزارت دارائی (آقای فروزان) - اجازه بفرمائید بنده می‌خواستم حضورتان عرض کنم که در نظر دولت البته فرقی نمی‌کند مستخدم جزء با کل

چند نفر از نمایندگان - خیلی فرق دارد

کفیل وزارت دارائی - اگر اجازه نمی‌فرمائید که عرضی ندارم

رئیس - بگذارید حرفشان را بزنند

کفیل وزارت دارائی - البته مستخدمین جزء باید مورد اشفاق و ارفاق و همه چیز باشند ولی افراد دیگری هستند مثل آموزگاران (صفوی) کمک آموزگاران) مثل کمک آموزگاران مثل پاسبان های شهربانی مثل افراد امنیه مثل گروهانهای ارتش که چند برابر این عده هستند و اکثر حقوقشان از مستخدمین جزء کمتر است

اگر بنده در اینجا موافقت کنم که اضافه حقوق مستخدمین جزء را در این یکی دو ماه بپردازند باید همه آنها را بپردازیم و طبق قاعده تسری وقتی بنده آنها را بپردازم باید در آن اشلها هم بپردازم و وقت و در آن اشلها را بپردازم نمی‌توانم رتبه یک و دو را نیز بپردازم بنابراین بطور کلی عرض کردم که کسلی به مستخدمین سرایت می‌کند و معال است که بنده حال مستخدم جزء را بپردازم ولی حقوق آموزگاران را که الان از مستخدم هم حقوقشان کمتر است بپردازم قبول چنین نهی برای بنده میسر نیست

رئیس - رای گرفته می‌شود به یک دوازدهم باره آقایان موافقین ورثه سفید خواهند داد

جمال امامی - بنده می‌خواستم عرض کنم که چون طرح را دادیم ورثه موافق می‌دهیم (در این موقع شروع باخذ آراء)

اگر بنده در اینجا موافقت کنم که اضافه حقوق مستخدمین جزء را در این یکی دو ماه بپردازند باید همه آنها را بپردازیم و طبق قاعده تسری وقتی بنده آنها را بپردازم باید در آن اشلها هم بپردازم و وقت و در آن اشلها را بپردازم نمی‌توانم رتبه یک و دو را نیز بپردازم بنابراین بطور کلی عرض کردم که کسلی به مستخدمین سرایت می‌کند و معال است که بنده حال مستخدم جزء را بپردازم ولی حقوق آموزگاران را که الان از مستخدم هم حقوقشان کمتر است بپردازم قبول چنین نهی برای بنده میسر نیست

رئیس - رای گرفته می‌شود به یک دوازدهم باره آقایان موافقین ورثه سفید خواهند داد

جمال امامی - بنده می‌خواستم عرض کنم که چون طرح را دادیم ورثه موافق می‌دهیم (در این موقع شروع باخذ آراء)

گردد و آقای فولادوند (منشی) اسامی آقایان نمایندگان را بترتیب ذیل اعلام و در محل نطق حاضر (و رای دادند)

آقایان: رفیع . محمد علی مسعودی . ابریشم کار . فرهودی . جمال امامی . منصف . سندی . کشاورز صدر . آشتیانی زاده . دولت شاهمی . دکتر هدایتی . زنگنه . دکتر طبا . پناهی . آزاد . مهدوی . قاسم فولادوند . صفائی . دکتر کاسمی . تیمورتاش . صفوی . شوشتی . معین زاده . صاحبجمع . کتابادی . پالیزی . دکتر راجی . حائریزاده . هامری . دکتر نیوی . شادلو . قبادیان . موقر . بوداغبان . سود آور . آبکار . نبوی . پیراسته . سلطان العلماء اسلامی . بهبهانی . مخبر فرمند . تولیت . دکتر جلالی . غضنفری . آصف . شکرانی . خاکباز . ولت آبادی . رضوی . مرتضی . حاکمت . عرب شیبانی . فراگزلو . شهاب

شروانی . برومند . مرانی . وهتان . فلامرضا فولادوند . (شماره آراء بعد آمدند ۵۲) ورثه موافق سه ورثه سفیدی (اسم شماره شد)

رئیس - عده حاضر ۵۹ نفر لایحه پرداخت یکدوازدهم حقوق و مخارج آذر ماه با اکثریت ۵۲ رای تصویب شد

اسامی موافقین - آقایان: محمد علی مسعودی . نبوی . فرهودی . سندی . ابریشم کار . کشاورز صدر . منصف . جمال امامی . دولت شاهمی . دکتر طبا . عزیز اعظم زنگنه . مهدوی . آزاد . پناهی . قاسم فولادوند . صفوی . تیمورتاش . دکتر کاسمی . صفائی . معین زاده . صاحبجمع . شوشتی . پالیزی . کتابادی . قبادیان . دکتر راجی . شکرانی . حائری زاده . هامری . سود آور . آبکار . شادلو . دکتر نیوی . بوداغبان . مخبر فرمند . پیراسته . تولیت . موقر . بهبهانی . دکتر

جلالی . غضنفری . آصف . عرب شیبانی . مرتضی حاکمت . شهاب خسروانی . فراگزلو دولت آبادی . برومند . فلامرضا فولادوند . مرانی . دکتر هدایتی . علی محمد هفان . ورثه سفیدی بی اسم علامت امتناع - سه برگ

(۵- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)

رئیس - لایحه شهریه ماهم که خیرش از مجلس سنا آمده جزو دستور می‌باشد .

آشتیانی زاده - ماده ۹۰ بنده داخلم

رئیس - همه اینها محفوظ می‌ماند برای جلسه بعد چون حالا وقت گذشته جلسه را ختم می‌کنیم جلسه آینده هم روز پنجشنبه دستور لایحه شهریه ها .

(مجلس چهار دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حاکمت

مجلس شورای ملی